

جایگاه ابزارهای سرمایه‌گذاری و مؤسسات مالی اسلامی

در نظام مالی بین‌المللی

مباحث اصلی در مدیریت ریسک و چالش‌های موجود

نوشته:

V. Sundararajan and Luca Errico

ترجمه:

جناب آقای علی یاسری

عضو هیأت علمی

موسسه عالی بانکداری ایران

چکیده

ارائه و استفاده از ابزارهای سرمایه‌گذاری و خدمات مالی منطبق بر اصول اسلامی، چالشهای خاصی را از نظر تشخیص، سنجش، نظارت و کنترل ریسک‌های ملحوظ در آن مطرح می‌سازد. مدیریت موثر و کارآمد ریسک در چارچوب مؤسسات مالی اسلامی که یک شرط اساسی برای رقابت موفق و موثر این مؤسسات در بازارهای مالی جهان است، نیازمند گسترش نه تنها چارچوب مقرراتی و نظارتی مطلوب‌تر بلکه ابزارهای سرمایه‌گذاری و مؤسسات مالی جدیدی است تا آنکه یک فضای عملیاتی مناسب‌تری را ایجاد نماید. اخیراً تأسیس «شورای مالی خدمات اسلامی - IFSB یا Islamic Financial Services Board» با همکاری صندوق بین‌المللی پول تأییدی است بر وجود این‌گونه نیازها که با افزایش روزافزون اهمیت بانکداری اسلامی در سطح جهانی شکل گرفته است.

بخش اول

مقدمه

بانکداری اسلامی به معنای ایجاد و استفاده از ابزارهای سرمایه‌گذاری و خدمات مالی منطبق بر اصول اسلامی، آنگونه که در قرآن و فقه اسلامی آمده است، از نظر وسعت و اهمیت در کشورهای بسیاری از جهان گسترش یافته است. در جمهوری اسلامی ایران و سودان کلیه مؤسسات مالی بطور کامل عملیات بانکداری اسلامی را پذیرا شده‌اند. در پاکستان، نظام مالی در مسیر انطباق با اصول مالی اسلامی گام‌های مؤثری بر می‌دارد. در سایر کشورها نظیر مالزی، اندونزی، بنگلادش، اردن و مصر، بانکداری اسلامی در جوار بانکداری غربی (سنتی) مشغول به کار است. این کار یا از طریق افتتاح گیشه‌های بانکداری اسلامی در بانکهای سنتی و یا ایجاد بانکها، شعبه‌ها و مؤسسات وابسته و مجزا با تخصص در ارائه ابزارهای مالی و سرمایه‌گذاری اسلامی صورت می‌پذیرد. مؤسسات مالی با قلمرو جهانی نظیر سیتی بانک آمریکا (Citibank)، در کشورهای متعددی ابزارهای مالی منطبق بر اصول اسلامی را ارائه می‌کنند، همچنین در عملیات مالی پیچیده فرامرزی که در برخی از مراکز مالی مناطق آزاد نظیر بحرین و لابوان (Labuan) مالزی در جریان است، بانکداری اسلامی اکنون پدیده نوظهوری در اینگونه فعالیتها محسوب می‌شود.

خدمات مالی اسلامی بطور فزاینده‌ای شامل مؤسسات مالی متنوعی است که از آن میان باید به بانکهای تجاری و سرمایه‌گذاری، مؤسسات بیمه متقابل (mutual insurance) و شرکتهای سرمایه‌گذاری اشاره کرد. البته بانکها هسته اصلی خدمات مالی را در بسیاری از کشورها و مراکز مالی مناطق آزاد تشکیل می‌دهند زیرا بخش عمده معاملات مالی را بانکها انجام داده و از اینرو سلامت مالی آنها اهمیت اساسی در ثبات نظام اقتصادی دارد. از اینرو مدیریت

مؤثر ریسک در بانکهای اسلامی^۱ واجد اولویت اساسی است. البته باید اضافه کرد که مدیریت ریسک در برگیرنده مباحث پیچیده‌ای است که باید بیشتر شکافته و مفهوم شود. مخصوصاً ماهیت و چگونگی ریسک‌های خاصی که بانکهای اسلامی با آن روبروست و روشهای نامحدودی که برای تامین مالی اسلامی براساس شراکت در سود و زیان (PLS) یا بر اساس عقود اسلامی غیر مشارکتی (Non-PLS)، در دسترس بانکهای اسلامی است، منجر به بروز مسایل زیادی در امر سنجش ریسک، تحقق درآمد، کافی بودن وثیقه و استانداردهای افشای عملیات مالی می‌گردد. بنابراین ابداع راه‌حلهای نوین و تعدیل مناسب در سیستمهای کنونی مدیریت ریسک به‌منظور لحاظ کردن مشخصه‌های ویژه ابزارهای سرمایه‌گذاری و خدمات مالی اسلامی ضرورت پیدامی‌کند. مقاله فعلی به این موضوع چالش برانگیز می‌پردازد.

سازماندهی مقاله از این قرار است: بخش دوم بر ریسک‌های خاص در بانکداری اسلامی تاکید دارد. بخش سوم به این مقوله اشاره دارد که ریسک‌های عمومی و ریسک‌های مخصوص بانکداری را چگونه می‌توان بر اساس راهبردی دوگانه مبتنی بر چارچوب مقرراتی مناسب و توسعه سازمانی مطلوب، شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرارداد. بالاخره بخش چهارم چالشهای مهمی را که فراروی بانکداری اسلامی قرار دارد مورد بحث قرار داده و گسترش روزافزون بانکداری اسلامی در صحنه مالی بین‌المللی را بر آن اساس به تصویر می‌کشد.

بخش دوم

ریسک‌های خاص در بانکداری اسلامی

ویژگیهای بانکهای اسلامی و الگوهای واسطه‌گری مالی مورد استفاده آنها (برای اطلاع بیشتر به ضمیمه مقاله رجوع شود) واجد ریسک‌های مخصوصی است که به‌منظور اثر بخشی مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی، شناخت ریسک‌های مذکور ضروری می‌باشد.^۲ روشهای

۱- در این مقاله واژه‌های «بانکهای اسلامی» و «مؤسسات مالی اسلامی» مترادف هم بکار گرفته شده‌اند و به آن دسته از کشورهایی اشاره دارد که در آن کلیه عملیات مالی بر مبنای اصول اسلامی انجام می‌گیرد و همچنین آن تعداد از کشورها را در بر می‌گیرد که در آن بانکداری سنتی (غربی) در جوار بانکداری اسلامی فعالیت دارد و این هم بصورت افتتاح گیشه‌های بانکداری اسلامی در بانکهای سنتی (غربی) شکل گرفته و هم مؤسسات مالی اسلامی بطور جداگانه در این کشورها فعالیت می‌کنند.

۲- برای آگاهی بیشتر از ریسک‌های خاص در بانکداری اسلامی به (Chapra and Khan(2000) و Hassan(2000) مراجعه گردد.

تامین مالی مبتنی بر مشارکت (PLS) نکات متعددی را در بر دارد (به جدول یک ضمیمه رجوع شود). روشهای مشارکتی گرچه ریسک اعتباری مستقیم بانکهای اسلامی را به سپرده گذاران حسابهای سرمایه گذاری این بانکها منتقل می کند، در عین حال مجموعه ریسک های ستون داراییهای ترازنامه این بانکها را نیز افزایش می دهد. در عمل، روشهای مشارکتی بانکهای اسلامی را در برابر ریسک هایی آسیب پذیر می کند که معمولاً سهامداران (و نه وام دهندگان) با آن روبرو هستند و برخی از دلایل این امر برقرار زیر است:

۱- مدیریت و اعمال روشهای تامین مالی مشارکتی در مقایسه با روشهای مرسوم وام دهی در بانکهای سنتی (غربی)، پیچیده تر است. اعمال این روشهای مشارکتی مستلزم انجام عملیات متعددی است که بانکهای سنتی معمولاً آنرا انجام نمی دهند: نظیر تعیین نسبتهای تقسیم سود و زیان بین بانک و گیرنده تسهیلات مالی مشارکتی در پروژه های سرمایه گذاری و در بخشهای مختلف اقتصادی و همچنین حسابرسی مستمر پروژه های مشارکتی توسط بانک بمنظور حصول اطمینان نسبت به مدیریت صحیح و ارزشگذاری مناسب پروژه مشارکتی.

۲- روشها و فعالیتهای زیادی در بانکداری اسلامی وجود دارد که بانکهای اسلامی با استفاده از آن و بر مبنای ترکیبی از الگوهای تامین مالی مشارکتی (PLS) و غیرمشارکتی (Non-PLS)، می توانند قراردادهای تامین مالی را اجرا نمایند.^۱

در این شرایط، استاندارد کردن و یکنواخت نمودن ابزارهای تامین مالی و سرمایه گذاری مشکل تر خواهد شد.

۳- وقتی بانکهای اسلامی مبادرت به تامین مالی مشارکتی می نمایند، امکان قصور شریک بانک که تسهیلات مالی مشارکتی را دریافت کرده تا قبل از انقضای مدت قرارداد و در صورت عدم تخلف او قابل تصور نیست یعنی در صورت عدم غفلت و سوء مدیریت او در کار، امکان قصور (default) توسط او در بازپرداخت تسهیلات وجود ندارد. در حقیقت، قصور در بازپرداخت تسهیلات مشارکتی به معنای این است که پروژه سرمایه گذاری مشارکتی انتظارات را برآورده نکرده یعنی یا سود کمتری عاید شده و یا ضرر و زیان به بار آمده است. در این حالت، سود کمتر یا زیان وارده بین هر دو طرف قرارداد بر اساس نسبتهای قید شده در قرارداد مشارکتی تقسیم می گردد. مثلاً در مورد قرارداد مضاربه (به جدول یک ضمیمه رجوع نمائید)، بانک اسلامی تنها در صورتی می تواند در پایان دوره قید شده در قرارداد اصل مبلغ وام را دریافت نماید که سودی

۱- البته بانکهای اسلامی نمی توانند در فعالیتهای غیرمجاز یعنی تولید کالا و خدمات مغایر با شریعت اسلامی شرکت نمایند. همچنین بانکهای اسلامی مجاز نیستند در شرکتهای با ضریب اهرمی (بدهی) بالا (Highly Leveraged) سرمایه گذاری نمایند.

حاصل شده باشد. در غیر اینصورت و اگر دفاتر شخص مضارب یا عامل ضرر و زیان نشان دهد، بانک بعنوان مالک یا رب المال نمی تواند اصل وام خود را پس گیرد.^۱ بعلاوه در چنین شرایطی نمی توان فرد عامل یا مضارب را مقصر قلمداد کرد زیرا در مضاربه، مسئولیت و تعهد عامل محدود به تلاش و زمانی است که او مصروف فعالیت مضاربه ای کرده است.

۴- بانکهای اسلامی هیچ ابزار قانونی برای کنترل عامل یا مضارب که مدیریت پروژه مبتنی بر قرارداد مضاربه را بر عهده دارد در اختیار ندارند. مضارب یا عامل در اداره پروژه مضاربه ای بر اساس سلیقه و تشخیص خود، از آزادی کامل برخوردار است. براساس قرارداد مضاربه ای، بانکها تنها مجاز به تسهیم سود یا زیان پروژه مضاربه ای طبق نسبت های تقسیم سود و زیان مندرج در قرارداد با عامل یا مضارب می باشند.^۲ در قراردادهای مشارکتی یا سرمایه گذاری مستقیم، بانکها از فرصت های بهتری برای نظارت در پروژه های مشارکتی برخوردارند زیرا در این نوع قراردادها، می توانند در مدیریت پروژه تاثیرگذار باشند و از حق رأی خود استفاده نمایند (به جدول یک ضمیمه رجوع شود).

۵- براساس ویژگیهای عقود مشارکتی، این عقود را نمی توان به منظور کاهش ریسک اعتباری به وثیقه یا سایر ضمانت ها، مرتبط و وابسته کرد. مطالب فوق اهمیت خطیر ریسک عملیاتی را در بانکداری اسلامی نمودار می سازد. ریسک عملیاتی ممکن است از عوامل مختلفی سرچشمه گیرد که شامل موارد زیر است:

اول- فعالیتهای منحصر به فردی که بانکهای اسلامی در عملیات داخلی خود انجام می دهند (بند یک بالا). این فعالیتهای اهمیت کنترل های داخلی را در حصول اطمینان نسبت به فرایند نظارتی بر کلیه مراحل سرمایه گذاری، انطباق کامل آن با ضوابط بانکهای اسلامی در مورد

۱- البته در نمونه مضاربه خاص (restricted mudaraba) و مورد استفاده بانک در تخصیص منابع، بانکها در قرارداد مضاربه، نکاتی را که به زعم بانک ضامن موفقیت پروژه مضاربه ای است، می گنجانند. این اقدام قبل از امضای قرارداد انجام می شود و پس از امضای هر دو طرف، شرایط مضاربه در طول مدت قرارداد بجز با توافق هر دو طرف، قابل تغییر نیست.

۲- در مقام مقایسه باید گفت که بر اساس مقاله خان و میرآخور (Khan and Mirakhor, 1993) این بانکها هستند که از طریق قراردادهای ضمنی و بطور آشکار، کنترل مستقیم و غیرمستقیم بر مضارب یا عامل اعمال می کنند زیرا می توانند از پرداخت اعتبار بیشتری به او خودداری کرده یا نام او را در لیست سیاه خود منظور کنند. همچنین مضارب در قرارداد مضاربه، حسن شهرت و حیثیت مالی و اجتماعی خود را در گرو می گذارد که در بیشتر کشورهای اسلامی عامل مهمی تلقی می شود و لذا یک عامل بازدارنده فعالیتهای ناصواب از سوی مضارب محسوب می گردد. ولی علی رغم این نکات، این واقعیت وجود دارد که بانک قانوناً هیچ ابزاری برای دخالت در مدیریت پروژه مضاربه ای که توسط مضارب اداره می شود، در اختیار ندارد.

سرمایه‌گذاری و اجرای دقیق آن مراحل، نشان می‌دهد. (به بخش ب در زیر رجوع شود).
دوم- غیراستاندارد بودن برخی از ابزارهای مالی اسلامی و سوم- عدم وجود یک راهکار کارآمد و قابل اعتماد برای طرح دعاوی حقوقی بمنظور تنفیذ قراردادهای مالی در چارچوب شریعت اسلامی.

گرچه عقود اسلامی غیر مشارکتی ریسک کمتری دربرداشته و در مقایسه با عقود مشارکتی شباهت بیشتری به تسهیلات مالی سنتی و مرسوم [در کشورهای غیراسلامی] دارند، این عقود نیز واجد ریسک می‌باشند که لازم است شناخته شود (به جدول یک ضمیمه رجوع شود) بطور مشخص، عقد سلم یا بیع سلف (خرید با تحویل کالا در آینده)، بانکهای اسلامی را در معرض هم ریسک اعتباری و هم ریسک ناشی از نوسان قیمت کالا قرار می‌دهد زیرا در چارچوب این قرارداد، بانکها در قبال پرداخت نقدی، موافقت می‌کند تا کالا را در آینده خریداری نمایند و همچنین کالای خریداری شده را نزد خود نگاه می‌دارند تا زمانی که بتوانند مجدداً آنرا به پول نقد تبدیل نمایند. نظیر همین ریسک در عقد قرارداد اجاره (leasing) وجود دارد زیرا بر خلاف روش‌های leasing مرسوم [در سایر کشورها]، در بانکداری اسلامی بانکها نمی‌توانند ریسک و پاداش قابل ملاحظه مالکیت مورد اجاره را به مستأجر انتقال دهند و ناچارند در تمام مدت اجاره، مالکیت آنرا تقبل کرده و در ترازنامه خود آنرا نشان دهند.

یک ریسک مشخص دیگر در عملیات بانکهای اسلامی [تجهیز منابع] از ماهیت خاص سپرده‌های سرمایه‌گذاری ناشی می‌گردد زیرا اصل این سپرده‌ها و نرخ بازدهی آن تضمین نشده است. در عین حال عدم تقارن اطلاعات (information asymmetry) که در قراردادهای مضاربه عام (unrestricted mudaraba) بانکی در بخش تجهیز منابع وجود دارد و براساس آن بانکها بنابر تشخیص خود سپرده‌های مردم را به کار می‌گیرند،^۱ احتمال بروز مخاطرات اخلاقی (moral hazard) را بسیار بالا برده و انگیزه بانکها را برای قبول ریسک و اداره مؤسسات مالی بدون در نظر گرفتن سرمایه مناسب، زیادتر می‌کند.^۲ در واقع صاحبان سپرده‌های سرمایه

۱- براساس قرارداد مضاربه عام، سپرده‌گذاران موافقت می‌کنند تا بانکها سپرده‌های آنان را طبق تشخیص و صلاحدید خود در بانکها در تعداد زیادی از سرمایه‌گذاری‌های سودآور مورد استفاده قرار دهند و از کل سودی که در نتیجه این سرمایه‌گذاری‌ها عاید بانکها می‌گردد، سهم ببرند.

۲- در ایران، بانکها سپرده‌های سرمایه‌گذاری را براساس عقد وکالت قبول کرده و خود بعنوان وکیل سپردگذار ایفای نقش می‌کند در حالیکه در بانکهای اسلامی خارج از ایران، بانکها عمدتاً سپرده‌های سرمایه‌گذاری را بعنوان عامل یا مضارب قبول می‌کنند و چون همین بانکها در بخش تخصیص منابع، عقد مضاربه را بعنوان مالک یا رب‌المال جاری می‌سازند، عبارت مضاربه دوجانبه (two-tier mudaraba) ناظر بر همین نقش است. (مترجم)

گذاری در بانکهای اسلامی در مقایسه با سهامداران شرکتهای سرمایه گذاری متداول از حقوق یکسانی برخوردار نیستند ولی در عین حال همان ریسکها را هم تقبل می کنند. همین استدلال در مورد صاحبان سپرده های جاری در مضاربه دو جانبه (two tier mudaraba) برای بحث بیشتر رجوع شود به ضمیمه) مصداق دارد. در این شرایط، اعمال مدیریت جمعی مشکل تر شده و احتمال قبول ریسک بیشتر [توسط بانکها] و بروز مخاطرات اخلاقی [در عملیات آنها] بیشتر می گردد.

علاوه بر ریسکهای خاصی که در بالا ذکر شد، عوامل و فاکتورهای عمومی دیگری هم وجود دارد که ریسک عملیاتی بانکهای اسلامی را نسبت به بانکهای سنتی (غربی) بالاتر برده و سودآوری آنها را در مقایسه کاهش می دهد. این عوامل شامل موارد زیر است:

۱- کمبود ابزارها و روشهای پوشش ریسک - نهی ربا (بهره) در شریعت اسلامی و وجود مسایل فقهی در تفسیر غرر (ریسک بیش از اندازه) بدان معنی است که بسیاری از ابزارها و روشهای پوشش ریسک مورد استفاده در بانکداری سنتی (غربی) نظیر معاملات اختیاری (options)، معاملات آتی (futures) و سلف (forwards)، در اوضاع و احوال کنونی معاملات مالی اسلامی، هنوز در اختیار بانکهای اسلامی قرار ندارد.

۲- بازارهای پولی و بین بانکی و بازار اوراق بهادار تکامل نیافته و یا فقدان آن - دلیل این امر بروز مشکلات در طراحی ابزارهای کوتاه مدت تامین مخارج عمومی دولت بر مبنای تقسیم سود و زیان (PLS) می باشد. این مشکلات، مدیریت نقدینگی در بانکهای اسلامی را دچار مشکل نموده و آنها را در معرض بحرانه های نقدینگی بیشتری قرار می دهد. فقدان انواع اوراق بهادار کوتاه مدت دولتی و یا اوراق تجاری ممتاز بخش خصوصی که منطبق با شریعت اسلامی باشد به این مفهوم است که احتمال بروز عدم تطابق بین دارائیه ها و بدهیه ها (mismatch) در بانکهای اسلامی افزایش می یابد. در ایران و سودان پیشرفتهای مهمی در توسعه و تکامل اوراق بهادار دولتی و ابزارهای کوتاه مدت مالی بعمل آمده و ابزارهای مالی منطبق با شریعت اسلامی نظیر گواهی مشارکت ملی، اوراق مشارکت بانک مرکزی و گواهی مشارکت و مضاربه دولتی انتشار یافته که لازم است توانایی عملیاتی آنها برای مدیریت موثر بر امور پولی و استقرای گسترش بیشتری یابد.^۱

۳- محدودیت موجودی و دسترسی به تسهیلات بانک مرکزی بعنوان وام دهنده نهایی^۲

۱- مباحث مذکور خارج از چارچوب موضوعی این مقاله قرار می گیرد. برای اطلاع بیشتر به Sundararajan et al. (1998) مراجعه شود.

(LOLR) ممنوعیت معاملات مبتنی بر نرخ بهره در بانکداری اسلامی با تسهیلات محدود بانک مرکزی بعنوان وام دهنده نهایی که در عین حال منطبق با اصول شریعت اسلامی باشد، در ارتباط است. مع هذا یک رویکرد مفید برای پیدا کردن راه حلی برای این معضل که توسط بانک مرکزی مالزی اتخاذ گردیده یک تسهیلات سرمایه گذاری بین بانکی است که بر آن اساس مؤسسات مالی اسلامی می توانند وجوه کوتاه مدت مبتنی بر مشارکت در سود و زیان را از یکدیگر دریافت نمایند. گسترش عملیاتی از این قبیل که بر اساس معاملات در اوراق بهادار بانک مرکزی و دولتی است، می تواند تا حد زیادی امکان دستیابی به تسهیلات وام دهنده نهایی را فراهم آورد.

بانکهای اسلامی که باریسک های عمومی و خاص روبرو هستند ناچار شده اند از بدو تاسیس، بخش مهمی از دارائیهای خود را بصورت اندوخته نزد بانکهای مرکزی یا حسابهای کارگزاری نزد بانکهای سنتی (غربی) نگهداری کنند. با توجه به اینکه نرخ بهره یا سود متعلقه به این نوع حسابها و اندوخته ها بسیار جزئی و یا اصولاً صفر است، سود آوری بانکهای اسلامی در معرض تاثیرات منفی واقع شده و این امر نیز رقابت پذیری آنها را کاهش داده و آسیب پذیری آنها را در برابر شوک ها و ضربه های برون زابالا می برد که خود عواقب بالقوه ای برای نظام بانکداری به همراه دارد.

بخش سوم

مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی

براساس نکات فوق، مدیریت ریسک موثر و کارآمد در بانکداری اسلامی، به یک راهبرد دوگانه مبتنی بر یک چارچوب مقرراتی مناسب و همچنین گسترش مطلوب نهادها، نیاز دارد.

الف: تقویت چارچوب مقرراتی

ایجاد اندوخته های سرمایه ای و اندوخته برای پوشش زیان و همچنین قیمت گذاری و کنترل ریسک، عوامل مهمی در بهبود عملیات بانکداری اسلامی بعنوان نهادهای پابرجا و دائمی به شمار

می روند. دلایل این امر به قرار زیر است:

۱- برای کاهش احتمال بروز مخاطرات اخلاقی در عقود مشارکتی بانکها، ضرورت دارد که

بانکهای اسلامی مبالغ مناسبی از سرمایه خود آورده و ریسک پذیر را در اختیار داشته باشند.

۲- بواسطه عدم تقارن اطلاعات در مضاربهای عام، تصمیم بانک به نگهداری سرمایه و اندوخته در حد مناسب، به سپرده گذاران یک "اطمینان خاطر" می دهد تا در برابر شایعات احتمالی مبنی بر سوء عملکرد بانک که خود منجر به خروج دسته جمعی سپرده ها از بانک و لذا منجر به تخریب حسن شهرت و ارزش اعتباری آن می شود، اعتماد سازی نمایند.

۳- افزایش توانایی بانکها در جذب سپرده های جاری که سود یا پاداشی دریافت نکرده ولی با همان ریسک سپرده های سرمایه گذاری روبرو هستند.

۴- مقابله با کاهش شدید سپرده های سرمایه گذاری در صورت بروز زیان [به جای سود]، که این حالت ممکن است موجب خروج این نوع سپرده ها و شروع بحران کمبود نقدینگی در بانکها شود که در این صورت بانکهای اسلامی در مقایسه با بانکهای سنتی ابزارهای کمتری برای مقابله با آن در اختیار دارند.

۵- در نظر گرفتن این واقعیت که تامین مالی براساس روشها و عقود مشارکتی و غیرمشارکتی باعث پیچیده تر شده عملیات بانکی و ریسک های متعدد و منحصر به فردی می گردد که باید تحت کنترل درآید. تعداد و تنوع این ریسک ها نسبت به ساختار خاص قراردادهای و عقود و محیط و فضای کلی عملیاتی، فرق می کند.

اندوخته های سرمایه ای مکفی و اندوخته مناسب برای پوشش زیان توسط بانکهای اسلامی باید در یک چارچوب جامع مدیریت ریسک صورت گیرد که بیانگر کلیه ابعاد مهم عملیات بانکی در یک فضای اسلامی بوده و یک سیستم مناسب افشای اطلاعات توسط بانکهای اسلامی را در برگیرد. چنین چارچوبی را می توان شبیه به سیستم (camels) طراحی نمود بطوریکه ضمن ارزیابی سلامت مالی بانک، این راهها بتواند نیازهای خاص یک محیط و فضای مالی اسلامی را هم در خود انعکاس دهد.^۱ ایجاد مقررات مناسب برای افشای اطلاعات باید بصورت رکن اساسی چارچوب مقرراتی مؤسسات مالی اسلامی قرار گیرد زیرا این مقررات به همراه استانداردهای مناسب حسابداری (در ذیل توضیح آن خواهد آمد) می تواند به فضای بازار کمک کند تا عدم شفافیت ذاتی در برخی جوانب بانکداری اسلامی نظیر گرفتن وثیقه [در بعضی عقود]

۱- حروف اختصاری (camels) معرف کلمات سرمایه (capital)، دارایی ها (assets)، مدیریت (management)، درآمدها (earnings)، نقدینگی (liquidity)، و حساسیت (sensitivity) در برابر ریسک بازار است و هر یک ناظر به جوانب مختلف سلامت مالی بانک می باشد. بنابراین سیستم (camels) سلامت نسبی بانک یا مؤسسه را از نظر مالی سنجیده و توسط مقامات نظارتی براساس درجه بندی یک تا پنج صورت می گیرد که در آن عدد یک نشانگر عملکرد قوی محسوب می گردد.

و یا مسایل مربوط به موجودی انبار را چنانکه قبلاً اشاره شد، برطرف کند. این امر به نوبه خود بازار را قادر می کند تا ریسکهای خاص در بانکداری اسلامی را بهتر ارزیابی نماید. در صفحات بعدی، محورهای اصلی چارچوب (camels) و مقررات افشای اطلاعات مالی توسط بانکهای اسلامی مختصراً تشریح می گردد.^۱

ارکان اصلی سیستم مطلوب (camels)

سرمایه

در چارچوب سیستم متعارف (camels)، کفایت سرمایه از طرق زیر برآورد می شود: (۱) حجم دارائیهای ریسک پذیر، (۲) حجم دارائیهای با کیفیت نازل، (۳) رشد، تجربه، برنامه و چشم انداز بانک و (۴) توانایی مدیریت در رابطه با عوامل فوق، بعلاوه می توان انواع نسبتهای سرمایه (capital ratios) بانک را محاسبه و با بانکهای همسان مقایسه کرد. اکثر این فاکتورها طبق استانداردهای متفاوت جهانی بدون تغییرات عمده ای، در مورد بانکهای اسلامی هم کاربردهای مفیدی خواهد داشت ولی مورد اول فوق یعنی حجم دارائیهای ریسک پذیر در رابطه با بانکهای اسلامی نیازمند توجه خاص است.

علی الاصول بخش عمده اقلام دارائی بانک اسلامی باید متشکل از تسهیلات مشارکتی (PLS) باشد که عمدتاً تأمین مالی مشارکتی و مضاربه ای بدون دریافت وثیقه است. درجه ریسک ملحوظ در این دارائیهها در مقایسه با تسهیلات غیرمشارکتی که متشکل از عملیات تجاری و تأمین مالی در سطح خردهفروشی و همراه با وثیقه می باشد، بسیار بیشتر است. بنابراین علی الاصول نسبت دارائیههای با ریسک بیشتر به کل دارائیهها در بانک های اسلامی در مقایسه با بانک های سنتی باید بیشتر باشد. بر این اساس ضوابط و استانداردهای کفایت سرمایه در یک محیط مالی اسلامی باید تأکید بیشتری در مقایسه با بانکهای سنتی بر این نکته داشته باشد. ولی در عین حال باید در نظر داشت که چون صاحبان سپرده های سرمایه گذاری در زیانهای احتمالی شریک هستند، لذا در صورت وقوع هر زیان احتمالی، سرمایه بانک اسلامی در معرض کاهش کمتری قرار خواهد گرفت و همین عامل ریسک زیادتر حسابهای مشارکتی (PLS) را جبران خواهد کرد.^۲ در عمل البته واقعیت این است که تسهیلات مشارکتی (PLS)

۱- این مباحث براساس مقاله Errico and Farahbaksh (1998) است.

۲- رجوع شود به «بیانیه اهداف و محاسبه نسبت به کفایت سرمایه برای بانکهای اسلامی» تهیه شده توسط (AAOIFI) در مارس ۱۹۹۹ - سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی (AAOIFI) در

سهام کمی از کل دارائیهای بانک اسلامی را در بر گرفته است. ارقام کلی تهیه شده توسط مجمع بین‌المللی بانکهای اسلامی (IAIB) International Association of Islamic Banks نشان می‌دهد که تسهیلات مشارکتی و مضاربه ای فقط ۲۵ درصد کل دارائیهای بانکهای اسلامی را شامل می‌شود و عمده اقلام دارایی این بانکها تسهیلات غیرمشارکتی و بخصوص معاملات باسود ثابت از پیش تعیین شده (معاملات با نسبت سود یا mark-up) می‌باشد.^۱ بنابراین منطقاً باید نتیجه گرفت که در برآورد کفایت سرمایه بانکهای اسلامی، نه تنها ارزیابی کامل درجه ریسک بدره یا پور تفوی هر بانک باید ملاک باشد، بلکه ترکیب دارائیهای بانک بین دارائیهای مشارکتی و غیرمشارکتی نیز باید ملاک محاسبه قرار گیرد.

این روش با منطق مستتر در اولین محور اساسی قرارداد بال برای قرن بیست و یکم (Basel Concordat for the 21st Century) که به «پیشنهادهای بال دوم» موسوم شده سازگاری خواهد داشت. این سازگاری بخصوص در ارتباط با تغییرات پیشنهادی در موزون کردن دارائیهها بر اساس ریسک، شامل پذیرش یک سیستم داخلی برای درجه بندی ریسکهای اعتباری بانکی و سیستم داخلی برای درجه بندی ریسکهای بازار در معاملات تجاری، به چشم می‌خورد. دومین و سومین محور اساسی «پیشنهادهای بال دوم» به ترتیب به چارچوب نظارتی بانکها و انضباط بازار دلالت دارد. انضباط بازار مخصوصاً در مورد بانکهای اسلامی حائز اهمیت است. (به بند ب و بخش چهارم در زیر رجوع شود).

دارایی

در سیستم متعارف (camels)، کیفیت دارائیهها بر اساس عوامل زیر برآورد می‌گردد: (۱) - مقدار، توزیع و تراکم دارائیههای طبقه بندی شده [براساس سهولت یا صعوبت باز پرداخت] (۲) - مقدار و ترکیب دارائیههای تحقق نیافته و مشمول کاهش سود (non-accrual) (۳) - and reduced-rate assets، کفایت اندوخته برای ارزشگذاری (valuation reserves) و (۴) - توانائی شناخته شده بانک در نحوه وصول اعتبارات مشکوک الوصول (problem credits) در مورد عامل اول باید در نظر داشت که در بانکداری اسلامی، دارائیههای ناشی از تسهیلات مضاربه ای را تا خاتمه قرارداد مضاربه ای نمی‌توان [از نظر سهولت یا صعوبت باز پرداخت]

ارتباط با موزون کردن اقلام دارائی‌ها و [تسهیلات] با استفاده از سپرده‌های مشارکتی (PLS) براساس درجه ریسک آنها و همچنین با احتساب پذیرش و جذب زیانهای احتمالی توسط صاحبان سپرده‌های مشارکتی و ریسک خاص بانکها در قبول سپرده‌های مشارکتی، پیشنهاد مشخصی را ارائه کرده است.

طبقه‌بندی نمود، بنابراین تا خاتمه قرارداد اگر سوء مدیریت یا غفلت مشهودی از سوی مضارب یا عامل بروز نکرده باشد، نمی‌توان قرارداد مضاربه را مشمول قصور در بازپرداخت (default) دانست. همانگونه که قبلاً عنوان شد، قصور در بازپرداخت قراردادهای مشارکتی به مفهوم آن است که پروژه مشترک سرمایه‌گذاری نتوانسته انتظارات سوددهی را برآورده سازد یعنی دچار کاهش سود یا فقدان سود و یا حتی مشمول زیان شده است. مع‌هذا در ارتباط با عامل دوم بهتر است که خط‌مشی پیشگامانه و دوراندیشانه‌ای اتخاذ گردد و آن دسته از دارائیهای مشارکتی را که طبق برآورد قرار است سود کمتری عاید سازد و یا اصولاً با فقدان سوددهی روبرو شود، حتی قبل از خاتمه مدت قرارداد بعنوان دارائیهای مشمول کاهش سود طبقه‌بندی نمود. در مورد عامل سوم باید گفت که توانایی بانک‌های اسلامی در کاهش ارزش سپرده‌های سرمایه‌گذاری در صورت بروز زیان نباید به عنوان یک اندوخته خودجوش در برابر خسارات ناشی از عدم بازپرداخت وام تلقی گردد و به‌رحال این خاصیت سپرده‌های سرمایه‌گذاری نباید ذخیره‌سازی در برابر خسارات ناشی از وام‌های لاوصول را که برای حفظ توانایی مالی بانک ضروری است، دچار خدشه نماید. در واقع ذخیره‌سازی مناسب در برابر عدم وصول وام، انگیزه‌ای قوی برای محدود کردن مخاطرات اخلاقی است. بنابراین این نوع ذخیره‌سازی عامل مهمی در تضمین سلامت مالی بانک اسلامی هم محسوب می‌گردد. بالاخره در مورد عامل چهارم تعیین توانایی بانک اسلامی در اداره کردن و وصول اعتبارات مشکوک الوصول این نکته مهم است که باید در حالاتی این توانایی ارزیابی گردد که در آن قراردادهای مشارکتی پرداخت تسهیلات بواسطه غفلت یا سوء مدیریت گیرنده تسهیلات قبل از انقضای مدت قرارداد دچار مشکل قصور در بازپرداخت شده و در مورد قراردادهای غیرمشارکتی پرداخت تسهیلات به‌رحال با عدم بازپرداخت از سوی گیرنده تسهیلات مواجه گردد. در مواردی که موانع قانونی بر سر راه وصول بموقع وام و یا تنفیذ قرارداد وجود دارد، مقررات مربوط به اندوخته‌سازی باید به تناسب تشدید گردد.

مدیریت

در سیستم متعارف (camels)، مدیریت براساس موارد زیر ارزیابی می‌شود:

- (۱) - لیاقت فنی، رهبری و توانایی مدیریتی، (۲) - رعایت کامل مقررات و قوانین بانکی،
- (۳) - توانایی در برنامه‌ریزی و مقابله با تغییر شرایط، (۴) - رعایت خط‌مشی‌های داخلی و مطلوبیت آنها، (۵) - گرایش به معامله با نزدیکان و خویشان و (۶) - تمایل شناخته شده در خدمت به نیازهای مشروع جامعه. کلیه این موارد معطوف به بانکداری اسلامی نیز می‌باشد.

البته مهارت و لیاقت مدیریت در عملیات بانکداری اسلامی نکته مهمی در هر نوع ارزیابی مدیریتی است. با توجه به پیچیده بودن بسیاری از عملیات بانکداری اسلامی، نظیر نظارت بر پروژه‌های سرمایه‌گذاری، مدیریت بر موجودی کالا در انبار در زمانهای مختلف، ابهامات در قانون در رابطه با طرح دعاوی فقهی و غیره، ایجاد سیستم‌های داخلی مناسب کنترلی برای مدیریت ریسک و دادن مجوز به معاملات نقش مهمی را در مدیریت موثر بر ریسک‌های عملیاتی و محدود کردن آنها برعهده دارد.

درآمد

در سیستم (camels)، درآمد بر اساس موارد زیر سنجیده می‌شود:

(۱) - مکفی بودن درآمد در پوشش دادن به زیان و ضرر و فراهم کردن سرمایه مناسب، (۲) - روند تغییرات درآمد، (۳) - مقایسه درآمد با درآمدهای سایر بانکهای همسان و (۴) - کیفیت و ترکیب درآمد خالص. درآمد با کیفیت بالا درآمدی است که اگر رشد بانک و کیفیت بالای اقلام دارایی بانک مدنظر باشد، بتواند برای جذب ضرر و زیان و افزایش سرمایه کفایت کند. بانکی که درآمد آن از چنین کیفیتی برخوردار باشد، دارای درآمدی بالاتر از متوسط درآمد بانکهای همسان و مشابه خود است. در نقطه مقابل، بانکهایی هستند که ضرر و زیان نشان می‌دهند. معیارهای فوق در مورد بانکهای اسلامی هم مصداق خواهد داشت. مع هذا در بانک اسلامی، ضررهای اقتصادی در وهله اول باعث کاهش ارزش سپرده‌ها و سپس باعث تقلیل ارزش سهام بانک می‌شود و این در صورتی است که بانک اسلامی برای تامین مالی پروژه سرمایه‌گذاری زیان آور (مثلاً یک قرارداد مشارکتی)، از منابع داخلی خود هم استفاده کرده باشد. البته چنین خطراتی که سپرده‌ها در معرض آن قرار دارد در صورتیکه محقق شود ممکن است حسن شهرت بانک را خدشه دار کرده و منابع سپرده‌ای بانک را کاهش دهد و به مشکلات نقدینگی و عدم توانایی مالی منجر گردد.

نقدینگی

در سیستم (camels)، نقدینگی بر اساس موارد زیر بررسی می‌شود: تغییرات سپرده‌ها - میزان وابستگی به وجوه حساس در مقابل نرخ بهره - لیاقت فنی در رابطه با ساختار بدهی‌ها - موجود بودن دارائی‌هایی با قابلیت فوری تبدیل شدن به پول نقد - و دسترسی به بازارهای بین بانکی و یا سایر منابع نقدی شامل دسترسی به تسهیلات بانک مرکزی بعنوان وام دهنده نهایی. همانطور که در بخش دوم متذکر شدیم، بانک‌های اسلامی در مقایسه با بانکهای سنتی،

فرصت‌های کمتری در استفاده از تسهیلات بانک مرکزی مثل تسهیلات وام دهنده نهایی یا تسهیلات (lombard) و یا تسهیلات اعتبار در حسابجاری نزد بانک مرکزی دارند و دسترسی آنها به بازار بین بانکی و بازار پولی هم محدود است زیرا این بازارها در محیط مالی اسلامی، یا توسعه نیافته است و یا اصولاً وجود ندارد. البته بانکهای اسلامی فقط در مقابل صاحبان سپرده های جاری مسئولیت بازپرداخت دارند در حالیکه بانکهای سنتی در برابر تمام سپرده های خود چنین مسئولیتی دارند. بنابراین کافی بودن نقدینگی در بانکهای اسلامی باید مورد به مورد بررسی شده و گستردگی و یا عدم گستردگی منابع موجود نقدینگی در سیستم که در دسترس این بانک قرار دارد، تعیین گردد.

میزان حساسیت نسبت به ریسک بازار

بر اساس مکانیزم (camels)، میزان حساسیت نسبت به ریسک بازار عبارت است از برآورد تأثیرات منفی تغییر در قیمت های بازار بخصوص در نرخهای بهره، نرخهای ارز، قیمت کالاها و سهام، بر یک مؤسسه مالی. اگر چه بطور کلی همین روش را می توان در مورد بانکهای اسلامی هم اعمال کرد، تفاوت‌های متعددی وجود دارد.

به دلیل ممنوعیت فقهی استفاده از ابزارهای مالی مبتنی بر نرخ بهره، ریسک نرخ بهره (که یکی از مهمترین ریسکهای بازار محسوب می شود) تنها بطور غیرمستقیم بر بانکهای اسلامی تأثیر می گذارد و این تأثیر از طریق افزایش نسبت سود (mark-up) و در نتیجه افزایش قیمت فروش در معاملات فروش اقساطی و معاملات اجاره ای است. همانطور که توسط (Chapra and Khan, 2000) عنوان شده، بانک اسلامی باید هر اضافه درآمدی را که بدست می آورد (مثلاً افزایش در نرخ بهره در لندن libor^۱ که بطور خودکار نسبت سود یا (mark-up) را بالا می برد) باصاحبان سپرده های سرمایه گذاری تقسیم نماید ولی نمی تواند در عین حال دریافتنی های خود را که در بخش دارائیه‌ها قرار دارد افزایش قیمت دهد. این عدم تطابق قیمت گذاری باعث می شود که درآمد خالص حاصل از مراحه^۲ (به جدول یک ضمیمه رجوع شود) در معرض ریسک قیمت ناشی از تغییر در نسبت سود قرار گیرد.

البته مهمتر آنست که بگوئیم بانکهای اسلامی در مقایسه با بانکهای سنتی از فرصت‌های

۱- اکثر بانکهای اسلامی از نرخ بهره بین بانکی لندن یا (libor) بعنوان نرخ مرجع برای تامین مالی معاملات خود استفاده می کنند.

۲- مراحه پرتفردارترین روش اعطای تسهیلات مالی توسط بانکهای اسلامی خارج از ایران است و بسیار شبیه به فروش اقساطی در ایران می باشد. (مترجم)

کمتری برای پوشش ریسک برخوردارند زیرا همانطور که قبلاً عنوان شد ابزارهایی نظیر معاملات آتی، سلف، معاملات اختیاری و تعویضی [به دلیل مشکلات شرعی] هنوز در دسترس بانکهای اسلامی قرار ندارند.

ارکان اصلی سیستم مناسب اطلاع رسانی

افشای اطلاعات در یک نظام مالی اسلامی در مقایسه با نظام مالی سنتی از اهمیت بیشتری برخوردار است زیرا اصل تقسیم سود و زیان و پذیرش ریسک توسط صاحبان سپرده‌های سرمایه گذاری، اساس بانکداری اسلامی محسوب می‌گردد.^۱ هر قدر بیشتر سپرده‌های سرمایه گذاری بدون پوشش باقی بماند، افشای اطلاعات در مورد اهداف و خط‌مشی بانک اسلامی و راهبردهای عملیاتی آن باید بیشتر شود تا آنکه صاحبان سپرده در این بانکها به همراه سایر وام‌دهندگان بتوانند بر عملکرد بانک نظارت نمایند. بعلاوه در بانکداری اسلامی سپرده‌گذاران از انگیزه بیشتری برای نظارت بر عملکرد بانک در مقایسه با سپرده‌گذاران بانکهای سنتی، برخوردارند زیرا نه ارزش سپرده‌های سرمایه گذاری و نه سود مترتب بر آن هیچکدام ثابت نبوده و توسط بانک تضمین نمی‌شود بلکه بستگی به عملکرد بانک در سرمایه گذاری این نوع سپرده‌ها دارد. این نظارتها نه تنها باید به منظور محافظت از اصل سپرده‌های سرمایه گذاری صورت گیرد بلکه باید نسبت به اینکه نرخهای سود مترتب به این سپرده‌ها نمودار کاربرد منصفانه بکارگیری اصل تقسیم سود و زیان در رابطه با سود خالص بانک اسلامی است اطمینان حاصل کند. بنابراین مواردی نظیر کاهش عدم تقارن ذاتی اطلاعات در مضارب‌های عام و افشای صریح و مختصر ارقام و اطلاعات اساسی، سپرده‌گذاران را قادر خواهد کرد تا در انتخاب یک بانک بخصوص و تخصیص منابع مالی بر اساس ترجیحات و اولویتهای ریسک‌پذیری خود، از انعطاف بیشتری برخوردار گردند. بعلاوه افشای اطلاعات می‌تواند هم به مردم و هم به مقامات نظارتی درک و تفاهم بیشتری نسبت به راهبردهای بانک و ریسک ملحوظ در آن بدهد. بر این اساس هم مردم و هم مقامات نظارتی می‌توانند به ترتیب انضباط بازار را با تفاهم بیشتری اعمال کرده و نظارت‌های احتیاطی را با آگاهی بیشتری انجام دهند که همین امر باعث کاهش ریسکهای درون سیستمی (systemic risks) در سیستم بانکداری اسلامی خواهد شد.

با توجه به تشابه عملیاتی بین بانکهای اسلامی و شرکتهای سرمایه‌گذاری (رجوع شود به

۱- البته باید در نظر داشت که علی‌الاصول برقراری یک سیستم بیمه سپرده‌ها که براساس آن یک مؤسسه ثالث (بجز بانک مرکزی، دولت و خود بانک سپرده‌پذیر) موافقت کند تا در برابر دریافت هزینه و کارمزد، سپرده‌های سرمایه‌گذاری را بیمه نماید، در بانکداری اسلامی هم امکان‌پذیر می‌باشد.

ضمیمه این مقاله)، ممکن است مقررات مربوط به افشای اطلاعات را برای شرکت‌های سرمایه گذاری در یک اقتصاد سنتی (مثلاً مقررات وضع شده توسط کمیسیون سهام و اوراق بهادار آمریکا (SEC) در نظر گرفته و آنرا با شرایط مالی اسلامی تلفیق کرد. بر این اساس مقررات افشای اطلاعات توسط بانکهای اسلامی می تواند لااقل شامل موارد مرتبط زیر گردد: خط مشی ها و اهداف سرمایه گذاری و حد نصاب سرمایه گذاری در هر صنعت، انواع اوراق بهادار، فاکتورهای ریسک، کنترل‌های داخلی، ارقام مربوط به عملکرد بانک، تجربه و تحصیلات حرفه ای مدیریت بانک و کارمندان ارشد. محتوای مقررات پیشنهادی افشای اطلاعات ذیل بررسی می شود.^۱

۱- اهداف و خط‌مشی سرمایه‌گذاری و میزان تراکم آن در هر صنعت.

این بخش باید اطلاعات کافی به مردم بدهد تا مناسب بودن سیاست‌های بانک را در رابطه با تنوع سازی در مجموعه [بدره] اوراق بهادار بانک ارزیابی کنند. (به بند ۲ که ذیل می آید مراجعه کنید). همچنین باید به دقت، مشروح اهداف و سیاست‌های بانک در مورد سرمایه‌گذاری و میزان تراکم آن گفته شود. تراکم می تواند به معنای سرمایه‌گذاری در هر صنعتی بمیزان بیش از ۲۵ درصد از کل دارائیهای بانک تلقی گردد. بعلاوه هر توسعه و تغییری در اقتصاد، تجارت و یا سیاست که یک صنعت یا گروهی از صنایع را تحت تاثیر قرار دهد باید به اختصار بیان شود. این نوع افشای اطلاعات می تواند لوایح پارلمانی پیشنهادی در سطح ملی یا منطقه ای در مورد تامین منابع مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری را شامل شود و یا تصمیمات دادگاههای مدنی یا مذهبی در ارتباط با مجاز بودن پروژه سرمایه‌گذاری و یا روشهای تامین مالی آن می تواند ذکر گردد و یا کمبودهای پیش بینی شده یا متحمل و یا افزایش مورد انتظار در بهای مواد اولیه پروژه و نظایر آن می تواند مورد اشاره قرار گیرد.

۲- انواع اوراق بهادار^۲

در این قسمت مردم امکان خواهند داشت که میزان ریسک پذیری بانک اسلامی را در برابر انواع اوراق بهادار و سایر دارائیه و بخصوص دارائیهای با درجه نقدپذیری کم، که برای آن بازار شناخته شده ای وجود ندارد، ارزیابی نمایند. در این بخش فرایند غربال کردن (filtration) (process شرکتها و معاملات [از نظر سازگاری با شریعت اسلامی] توسط بانک اسلامی بمنظور

۱- رجوع شود به: AAOIFI- Accounting and Auditing Standards for Islamic Financial Institutions (2001)

۲- از نظر بانکهای اسلامی واژه اوراق بهادار، انواع اوراق و گواهینامه بهادار، سهام و گواهی مشارکت در قراردادهای مشارکتی (PLS) را شامل می شود.

انتخاب اوراق بهادار برای سرمایه گذاری، انجام خواهد شد.^۱

۳- افشا کردن، کنترل و نظارت بر عوامل موجد ریسک.

تحت این عنوان، اطلاعات مربوط به عوامل اصلی موجد ریسک که در ارتباط با مجموعه سرمایه گذاری مطرح می شود، جمع آوری می گردد. سازماندهی، زیر ساختار و روشهای داخلی برای کنترل و رویارویی با عوامل موجد ریسک نیز بطور مشروح بیان می شود. چون فهرست فعالیتها و روشهای تامین مالی از طریق ترکیبی از عقود مجاز و قابل دسترس بانک اسلامی، بسیار متعدد و متنوع است، هر بانک باید تا اندازه ای مختار باشد بتواند فرآیند نظارت و کنترل بر ریسکهای ملحوظ در فعالیتهای خود را آنگونه که خود تشخیص می دهد طراحی و اعمال نماید.

۴- مدیریت مناسب و کنترلهای داخلی

یک بانک اسلامی فعالیتهای داخلی پیچیده ای را انجام می دهد که معمولاً بانکهای سنتی (غربی) انجام نمی دهند. این فعالیتهای خاص بانک اسلامی شامل تعیین نسبتهای تقسیم سود و زیان در پروژه هایی که مشمول تامین مالی بانک قرار دارند می گردد و همچنین حسابرسی مستمر این پروژه ها به منظور حصول اطمینان از اینکه این نسبتهای تقسیم سود و زیان منصفانه محاسبه شده اند، از جمله فعالیتهای خاص بانکهای اسلامی است. این فعالیتهای اهمیت مدیریت مناسب و کنترلهای داخلی را در حصول اطمینان نسبت به اینکه تمام مراحل سرمایه گذاری تحت نظارت بوده، با خط مشی های بانک اسلامی مطابقت داشته و به طور مناسبی حساب و کتاب داشته اند، نشان می دهد. به علاوه، مدیریت مطلوب و مناسب و برقراری کنترلهای داخلی منافع سرمایه گذاران را نیز حفظ می کند زیرا همچنانکه قبلاً عنوان شد سود خالص بانک اسلامی با صاحبان سپرده های سرمایه گذاری تقسیم می گردد. بنابراین مخصوصاً در معاملات مالی اسلامی، مدیریت مطلوب و مناسب و کنترلهای داخلی دو هدف را دربر می گیرد: اول - کاهش ریسک ناشی از سوء مدیریت و دوم - تحکیم اعتماد بازار از طریق افشای اطلاعات در ارتباط با مدیریت بانک و در نتیجه کاهش مخاطرات اخلاقی (moral hazard).

۵- آمار عملکرد

در بانکداری اسلامی، نرخ سودی که انتظار می رود به سپرده های سرمایه گذاری تعلق گیرد

۱- غربال کردن (filtration) این امکان را به وجود می آورد تا بانک اسلامی مطمئن شود هر سرمایه گذاری که انتخاب می کند از نظر عملیات و ساختار سرمایه ای با اصول شریعت اسلامی تطابق دارد و شرکتهایی که در تولید کالا و خدمات مغایر با اصول اسلامی فعالیت دارند نظیر قمارخانه ها و یا شرکتهایی که ساختار آنها تا حد زیادی متکی به استقراض است، خارج از دایره انتخاب بانک اسلامی قرار می گیرد.

معیار مهمی است که در انتخاب یک بانک توسط سپرده‌گذاران نقش حساس ایفا می‌کند زیرا از نظر سپرده‌گذاران بالقوه حسابهای سرمایه‌گذاری، فقط نرخ سود (مورد انتظار) سپرده‌ها حائز اهمیت است. نرخ واقعی سود این سپرده‌ها بستگی به توانایی بانک در تامین مالی موفقیت آمیز پروژه‌های سرمایه‌گذاری و سود حاصله که باید بین بانک و سرمایه‌گذاران تقسیم شود، خواهد داشت. مؤسسات مالی ضعیف و غیرمعتبر ممکن است در راه جذب سپرده بیشتر، و عده سود غیرواقعی را به سپرده‌گذاران بدهند و به این طریق مؤسسات مالی معتبر و سالم را از گود خارج کنند. بنابراین، در این بخش توضیح مختصری در مورد روش محاسبه عملکرد مالی گذشته بانک ارائه می‌شود تا این آمار عملکرد منتشر گردد. عباراتی هم باید گنجانده شود مبنی بر اینکه نرخ سود مورد انتظار اعلام شده بر اساس درآمدهای گذشته بانک محاسبه شده و عملکرد آینده را نشان نمی‌دهد.

۶- مدیریت بانک و کارمندان ارشد

در این قسمت اطلاعات لازم در مورد تحصیلات و سوابق حرفه‌ای مدیریت بانک شامل هیأت مدیره و کارمندان ارشد (لااقل در سطح رؤسای ادارات) ارائه می‌گردد. به مهارت کارمندان در زمینه بانکداری اسلامی باید توجه مخصوصی معطوف گردد. همچنین باید نقش شوراهای مذهبی Shariah Boards دیده شود و اینکه آیا وظیفه آنها فقط محدود به تأیید ابزارها و خدمات مالی است یا اینکه پرداخت هر وام و اعتباری را هم باید تأیید نمایند، کاملاً روشن شود. لازم به ذکر است که گسترش نهادهای سرمایه‌گذاری نظیر شرکتهای متقابل سرمایه‌گذاری اسلامی (mutual funds) به احتمال زیاد باعث خواهد شد تا افشای اطلاعات مالی بر اساس سازوکارهای بازار از نظم و ترتیب و تاثیرات بیشتری برخوردار شود و در راهبردها و ریسک‌پذیری بانک جایگاه ثابتی داشته باشد. نظیر نظامهای اقتصادی سنتی، در نظام اقتصادی اسلامی نیز نهادهای سرمایه‌گذاری نقش مهمی در جمع‌آوری، تفسیر و ارزشگذاری اطلاعاتی که مؤسسات مالی اسلامی [بانکها] افشاء کرده‌اند، خواهند داشت زیرا تا زمانی که سپرده‌گذاران و سایر سرمایه‌گذاران کوچک مهارتهای لازم را کسب نمایند، نهادهای مذکور می‌توانند نقش ناظران و بازرسان خصوصی را در مورد نظارت بر کار بانکهای اسلامی، ایفاء نمایند.

ب - رویکرد مبتنی بر گسترش نهادها

علاوه بر ایجاد یک چارچوب مقرراتی مناسب، برای اعمال مدیریت ریسک در یک فضای مالی اسلامی باید ابزارهای مالی مناسب، بازارها و زیرساختهای بازار به نحو موثری گسترش پیدا کند. همانگونه که در بخش دوم اشاره شد، عوامل متعددی در حال حاضر در کار است که

عملکرد بانکداری اسلامی را در مقایسه با بانکهای سنتی، با ریسک بیشتر و سود دهی کمتر روبرو می‌سازد. برخی از این عوامل عبارتند از:

(الف) - عدم گسترش یا فقدان بازار بین بانکی و بازار پول و ابزارهای تامین مالی بودجه دولت.
(ب) - کمبود تسهیلات بانک مرکزی به عنوان وام دهنده نهایی و دسترسی محدود به این تسهیلات، و (ج) - ابهام در مقررات و قوانین و زیرساخت محدود بازار که موجب می‌شود قراردادهای بانکی خوب اجرا نشود و همچنین کمبود ابزارها و روشهای پوشش ریسک. بنابراین فرایند ایجاد نقدینگی و زیرساختهای مناسب در داخل سیستم بانکداری اسلامی باید تقویت گردد که این امر از طریق گسترش بازارهایی برای معاملات ابزارهای استقراضی دولتی و بانک مرکزی و عملیات مرتبط بانک مرکزی که نقدینگی لازم را فراهم آورند، انجام می‌پذیرد. در این ارتباط، توافق اخیری که منجر به ایجاد بازار بین‌المللی امور مالی اسلامی International Islamic Financial Market (IIFM) گردید، موجب امیدواری است.^۱ این بازار قرار است در طراحی و ایجاد ابزارهای مالی اسلامی توسط دولتها و شرکتهای بزرگ [اسلامی] طبق ضوابطی که کمیته جهانی نظارتی شریعت اسلامی تدوین می‌کند، ایفای نقش نماید و کمیته جهانی نظارتی شریعت اسلامی قرار است توسط هیأت مدیره بازار به منظور حصول اطمینان نسبت به انطباق ابزارهای مورد معامله در بازار با شریعت اسلامی، تاسیس گردد.

اهمیت اساسی یک نظام توانمند افشای اطلاعات در بانکداری اسلامی باید توسط استانداردهای حسابداری مناسب و پذیرفته شده در سطح جهانی تکمیل شود. شفافیت مطلوب ایجاد می‌کند که اطلاعات مالی افشا شده توسط بانکهای اسلامی، مطمئن، سازگار، قابل اتکاء و قابل مقایسه در طول زمان و با سازمانهای مشابه باشد. برای حفظ اعتماد مردم، صورتهای مالی سالانه [بانکهای اسلامی] باید توسط کارشناسان حرفه‌ای مستقل و برخوردار از حسن شهرت حرفه‌ای، حسابرسی گردد. چنین الزاماتی دقیقاً با شرایط استانداردهای بین‌المللی حسابداری^{*} (IAS) مطابقت دارد. در این رابطه، ادامه فعالیتهای مفید سازمان حسابرسی اسلامی (AAOIFI) مستقر در بحرین در گسترش استانداردهای حسابداری با هدف بهبود صورتهای مالی [بانکهای اسلامی] و قابل مقایسه کردن آن [در سطح جهانی] از نظر تحقق و تشخیص به موقع سود یا زیان و شفافیت اطلاعات مالی، دستاورد مهمی محسوب می‌گردد. سازمان حسابرسی اسلامی (AAOIFI) تاکنون استانداردهای حسابداری متنوعی در مورد

۱- ایجاد بازار IIFM در هفتمین اجلاس گروه کاری پروژه بازار بین‌المللی امور مالی اسلامی که روزهای ۷ و ۸ نوامبر ۲۰۰۱ در بحرین تشکیل شد، مورد بحث و موافقت قرار گرفت.

* . International Accounting Standards

ابزارهای اصلی بانکداری اسلامی مرتبط با اندوخته سازی و روشهای افشای اطلاعات مالی، منتشر کرده است. این سازمان همچنین در مورد حسابرسی و مدیریت مؤسسات مالی اسلامی، استانداردهایی را تدوین و منتشر ساخته است. این استانداردها بتدریج از مقبولیت و پذیرش بیشتری برخوردار می گردد بطوریکه در بحرین، سودان و اردن، بکارگیری آن اجباری شده، در بانک مرکزی عربستان سعودی بعنوان معیارهای راهنما مورد استفاده قرار دارد، در مالزی هدف نهایی، رسیدن به این استانداردهاست و در اندونزی و قطر بعنوان اساس و مبنای استانداردهای حسابداری شناخته شده است.

کمیود چارچوب مناسب حقوقی مخصوصاً در مورد اعسار یا ناتوانی مالی (insolvency)، و همچنین ساختار حقوقی و حمایتی ضعیف عملیات بانکی، موجب افزایش ریسک عملیاتی در بانکداری اسلامی گردیده و توسعه بازار را دچار مشکل می کند. گسترش بیشتر چارچوب حقوقی و مقرراتی و کاهش ابهامات قانونی، ریسک های عملیاتی را کاهش و توانائی های مؤسسات مالی اسلامی را در مدیریت ریسک افزایش خواهد داد. در این رابطه مسایل فقهی مورد اختلاف نظر کارشناسان که تاکنون موجب عدم گسترش نهادها در بسیاری از کشورها شده است، باید حل و فصل گردد. مهم ترین این موضوعات فقهی مورد اختلاف عبارتند از:

اول: - تأخیر در باز پرداخت تعهدات مالی، دوم: - مسئولیت محدود یا نامحدود طرفین قراردادهای مشارکتی در قبال اشخاص ثالث، سوم: - مجاز بودن یا مجاز نبودن انواع قراردادهای اجاره از نظر فقهی، چهارم: - مجاز بودن یا نبودن شرعی فروش دین از طریق سند زنی و معامله اسناد (securitization) و پنجم: - ابزارهای پوشش ریسک و مهندسی مالی [از منظر فقه اسلامی].^۱

بخش چهارم

چالشهای فراروی بانکداری اسلامی

برای کمک به توسعه مطلوب و پایدار بانکداری اسلامی در آینده، رؤسای بانکهای مرکزی کشورهای بحرین - اندونزی - جمهوری اسلامی ایران - کویت، لبنان - مالزی - پاکستان - عربستان سعودی، سودان و امارات متحده عربی به همراه مقامات ارشد بانک توسعه اسلامی و

۱- مباحث مذکور فراتر از موضوع این مقاله است. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به:

سازمان حسابرسی اسلامی (AAOIFI) ضمن تشکیل اجلاسی در تاریخ ۲۱ آوریل ۲۰۰۲ موافقت کردند یک سازمان جدید تحت عنوان شورای خدمات مالی اسلامی (IFSB)-Islamic Financial Services Board تشکیل دهند تا روشهای عملیاتی، نظارتی و مقرراتی و استانداردهای متحدالشکل احتیاطی مناسبی را برای بانکهای اسلامی تدارک نماید. این تصمیم پس از مشاوره های زیادی که با همکاری صندوق بین المللی پول و بانک توسعه اسلامی و سازمان حسابرسی اسلامی (AAOIFI) انجام پذیرفت، اتخاذ گردید. شورای خدمات مالی اسلامی (IFSB) در شهر کوالالامپور مالزی مستقر خواهد شد و کارها و فعالیتهای سازمان حسابرسی اسلامی (AAOIFI) را تکمیل کرده و با سایر سازمانهایی که برای گسترش ابزارها و بازارهای مالی و اسلامی به وجود آمده اند روابط نزدیکی خواهد داشت.^۱ برای تقویت و یکسان سازی استانداردهای احتیاطی (IFSB) کارهای زیر را انجام خواهد داد:

الف: - استاندارد و اصول اساسی را تدوین و منتشر خواهد کرد و همچنین استانداردهای بین المللی مقرراتی و نظارتی را در انطباق با شریعت اسلامی تعدیل خواهد نمود تا بطور داوطلبانه توسط کشورهای عضو اجراء گردد.

ب: - بعنوان رابط با سایر مؤسسات تدوین استاندارد در مقوله ثبات مالی و پولی همکاری خواهد کرد.

ج: - از طریق پژوهش، آموزش و کمکهای فنی، روشهای مناسب مدیریت ریسک را در بانکداری اسلامی اشاعه خواهد داد.

تاسیس (IFSB) یک نشانه بزرگی در تأیید اهمیت روز افزون مؤسسات و ابزارهای مالی اسلامی در سطح جهان است. رسیدن به اهداف نهایی آن بستگی تام به حل مسائلی دارد که قبلاً عنوان گردید. این مسایل شامل لزوم هماهنگی و یکسان سازی چارچوبهای مقرراتی و حقوقی و استانداردهای حسابداری است که اساس فعالیتهای مدیریت سازمانهای مالی اسلامی را تشکیل می دهد، گسترش ابزارها و بازارها و زیرساختهای مناسب بازار برای تکمیل فعالیتهای مؤسسات مذکور از جمله نکات دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد. این نکات چالشهای عمده ای است که باید با آن روبرو گردید.

۱- Zeti Akhtar Aziz دکتر رئیس بانک مرکزی مالزی از سوی سایر رؤسای بانکهای مرکزی و مقامات ارشد مأموریت یافت تا ریاست یک کمیته اجرایی را بعهده گیرد و بر کار تاسیس و افتتاح (ifsb) نظارت نماید. به نشریه صندوق بین المللی پول تحت عنوان (IMF SURVEY) مورخ ۱۳ مه ۲۰۰۲ رجوع شود. پارلمان مالزی لایحه تاسیس (ifsb) را به ترتیب در تاریخ ۲۷ ژوئن ۲۰۰۲ (در مجلس نمایندگان) و در تاریخ ۹ ژوئیه ۲۰۰۲ (در مجلس اعیان)، تصویب نمود. براین اساس، تاسیس این شورا در مالزی همراه با اختیارات، مصونیت ها و امتیازاتی است که به هیأت مدیره شورا، سازمانهای متشکله آن و موضوعات مرتبط با آن، اعطاء گردیده است.

هماهنگ سازی و یکسان سازی [در ضوابط مقرراتی، حقوقی و استانداردهای حسابداری] به ثبات مالی [بانکداری اسلامی] در سطح جهان کمک کرده، نظارت‌های احتیاطی موثر بر مؤسسات مالی اسلامی را در کشورهای متبوع خود آسانتر نموده و موجب گسترش پایدار بانکداری اسلامی در سطح جهان می‌شود. توسعه ابزارها و بازارهای مناسب و زیرساخت‌های بازار، امر مدیریت ریسک را آسانتر کرده و بانکهای اسلامی را قادر می‌سازد تا با بانکهای سنتی (غربی) در نظام مالی بین‌المللی رقابت موفق داشته باشند.

بنابراین ضرورت دارد (IFSB) به عنوان یک مرکز ثقل جهانی برای تشویق بحث‌های تخصصی بانکداری اسلامی، نقش راهبردی داشته باشد و مباحث مربوط به بانکداری اسلامی، و مسائل مالی و حقوقی را نه تنها در سطح فنی و مقرراتی بلکه در سطوح گسترده‌تر سیاستگذاری و توسعه بازار، رواج دهد. این شورا باید مرکز ثقل مهارت‌های کارشناسی برای طراحی راه حل بسیاری از چالش‌هایی باشد که بازارهای سرمایه بین‌المللی فراروی مؤسسات مالی اسلامی قرار داده است. همین‌طور اشاعه و قبولاندن استانداردها و عملکرد بهینه و مطلوب برای اجرای راه حل‌ها از جمله وظایف این شورا خواهد بود. برای اجرای این اهداف، شورای مذکور باید همکاری نزدیکی با مقامهای نظارتی کشورهای عضو و بانکهای مرکزی، سازمان حسابرسی اسلامی (AAOIFI)، مؤسسات مالی بین‌المللی و مشارکت کنندگان و معامله‌گران بازار داشته باشد.

قرارداد جدید «بال» برای قرن بیست و یکم تحول نوید بخشی برای بانکهای اسلامی است زیرا فرصت مناسب و مهمی را بوجود می‌آورد تا (IFSB) بعنوان بخشی از کوششهای مستمر در تقویت نظام مالی بین‌المللی ایفای نقش کند. بنابراین قرارداد جدید شامل اهداف زیر خواهد بود:

الف: - ریسک واقعی بانکها را بهتر منعکس می‌نماید. تغییرات پیشنهادی در روش تعیین اوزان ریسک و مخصوصاً پذیرش سیستمهای داخلی هر مؤسسه برای رتبه‌بندی ریسک، از نظر بانکهای اسلامی مطابقت بیشتری داشته و سازگارتر خواهد بود. همچنانکه در بخش دوم متذکر شدیم، بانکهای اسلامی خود بهترین مرجعی هستند که می‌توانند میزان ریسک پذیری انواع عملیات خود را تعیین نمایند و ترکیب مناسب دارائیهای مشارکتی (PLS) و غیرمشارکتی (NON-PLS) را تعیین کرده و میزان مناسب اندوخته سرمایه و اندوخته جبران زیان را مشخص نمایند.

ب: - تعدیلات لازم در مقررات نظارتی - ایجاد ضوابط نظارتی ضرورت تام داشته و شعاع عمل و محتوای آن تحت تاثیر کیفیت مدیریت داخلی و مدیریت ریسک بانکهای اسلامی قرار

دارد. بسیاری از کشورها مقررات نظارتی خود را در زمینه بانکداری اسلامی تقویت کرده‌اند و این امر یا از طریق ایجاد چارچوب قانونی جداگانه و مجزا یا با تاکید بر نظارت در موارد خاص حاصل شده است. اساس و بنیان این فعالیتهای نظارتی باید شامل تشخیص ریسک، رویارویی هماهنگ و یکپارچه با ریسکهای مشابه توسط کلیه مؤسسات و بالاخره ضوابط نظارتی مناسب برای برقراری کنترل و نظارت مستقیم داخلی گردد. این فعالیت‌ها از طریق (IFSB) و بر اساس همکاریهای بین‌المللی باید تقویت و هماهنگ شود.

ج: - تقویت نظم و انضباط بازار از طریق ترغیب به افشای مناسب خط‌مشی‌ها همچنان که در بخش سوم اشاره شد، این کار برای رشد و توسعه پایدار بانکداری اسلامی مخصوصاً در ارتباط با روشهای مشارکتی پرداخت تسهیلات (که هم جنبه اسلامی بیشتری داشته و هم در برگیرنده ریسک بیشتری هستند)، ضروری است. بعلاوه تاکید بیشتر بر نظم و انضباط بازار، مناسبیت بیشتری با روش بانکداری اسلامی در تقسیم ریسک مالی بین بانکها و وام‌گیرندگان از یکسو و سپرده‌گذاران و بانکها از سوی دیگر دارد.

به‌طور کلی، (IFSB) می‌تواند نقش اساسی در ثبات مالی و گسترش بازار در بانکداری اسلامی داشته باشد. در این رابطه، صندوق بین‌المللی پول با همکاری سایر مؤسسات مالی بین‌المللی می‌تواند در توسعه اهداف (IFSB) از طریق اعطای کمکهای فنی و اشاعه استانداردهای عملکردی مناسب در چارچوب نظارت‌های مالی خود و سایر فعالیتهای مرتبط، نقش مؤثری داشته باشد.

منابع و مأخذ

References

- Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (AAOIF), (1999) , Statement on the Purpose and Calculation of the Capital Adequacy Ratio for Islamic Banks (Bahrain: Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions , March).
- , 2001 , Accounting and Auditing Standards for Islamic Financial Institutions, Bahrain: Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions).
- Basel Committee on Banking Supervision , 1990 , A New Capital Adequacy Framework , (Basel: Basel Committee on Banking Supervision).
- Chapra , Umer, and Tariqullah Khan , 2000 , "Regulation and Supervision of Islamic Banks , " Occasional Paper No.3 (Jeddah: Islamic Development Bank - Islamic Research and Training Institute).
- Errico , Luca , and Mitra Farahbaksh , 1998 , "Islamic Banking: Issues in Prudential Regulations and Supervisions , "IMF Working Paper No. 98/30 (Washington: International Monetary Fund).
- Hassan , Sabir Mohamad , 2000 , "Capital Adequacy and Basel Guidelines: On Risk Weights of Assets for Islamic Banks , "paper presented at the Conference on the Regulation of Islamic Banks (Bahrain , February 2000).
- INMF Survey , Volume 31 Number 9 , May 13 , 2002 , page 157 (Washington: IMF). International Association of Islamic Banks , 1997 , Directory of Islamic Banks and Financial Institutions) Jeddah: International Association of Islamic Banks).
- Iqbal , Zubair , and Abbas Mirakhor , 1987 , "Islamic Banking, "IMF Occasional Paper No.49 (Washington: International Monetary Fund).

- Kazarian , Elias , 1993 , Islamic Versus Traditional Banking: Financial Innovations in Egypt (Boulder , Colo. : Westview Press).
- Khan , Mohsin , and Abbas Mirakhor , 1993 , "Monetary Management in an Islamic Economy , "Journal of Islamic Banking & Finance , Vol. 10 (July-Sept) , pp.42-63.
- Sundararajan , V., David Marston , and Ghiath Shabsigh , 1998 , "Monetary Operations and Government Debt Management Under Islamic Banking , "IIMF Working Paper No, 98/144 (Washington: International Monetary Fund).
- United States , Securities and Exchange Commission , 1940 , The Organization of Investment Companies and The Investment Company Act , Section 13 (a) (Washington: Government Printing Office).

ضمیمه

بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری سنتی (غربی)

اختلاف در برداشت و در تفسیر برخی از اصول بانکداری اسلامی باعث شده تا عملیات بانکی مشابه در بعضی کشورهای اسلامی پذیرفته و در برخی دیگر پذیرفته نشود. بنابراین باید در مورد اصول مهم بانکداری اسلامی به یک اجماع دست یافت تا از آن به عنوان ضوابط مشخص در مقایسه با عملیات بانکداری سنتی (غربی)، استفاده گردد. این امر به نوبه خود باعث افزایش آگاهی و مدیریت ریسک‌های خاص در بانکداری اسلامی خواهد شد.

ویژگیهای اصلی بانکداری اسلامی

ویژگیهای اصلی بانکداری اسلامی به قرار زیر است:

۱- ممنوعیت پرداخت و دریافت یک نرخ بهره ثابت و از پیش تعیین شده و جایگزینی آن با روشهای مشارکتی تقسیم سود و زیان که به موجب آن نرخ سود واقعی فقط بعد از اتمام پروژه [و رسیدگی به حسابها و دفاتر] مشخص شده و مرتبط با سود حاصله در بخش واقعی اقتصاد (real sector) خواهد بود.

۲- لزوم انجام معاملات بر اساس عقود و روشهای اسلامی که هر دو ستون دارایی و بدهی ترازنامه بانک را در برگیرد. این روشها دو نوعند: روشهای مشارکتی بر اساس تقسیم سود و زیان (PLS) که علی‌الاصول باید رکن عمده و اساسی معاملات اسلامی تلقی گردد و عقود غیرمشارکتی که در آن تقسیم سود و زیان انجام نشده و لذا باید رکن فرعی معاملات اسلامی محسوب گردد. عقود مشارکتی عبارتند از: مضاربه، مشارکت و سرمایه‌گذاری مستقیم، عقود غیرمشارکتی شامل قرض الحسنه، فروش اقساطی، سلف، اجاره و اجاره به شرط تملیک، مرابحه و جعاله می‌شود.

جدول یک، انواع روشها و عقود اسلامی تامین مالی را به اختصار نشان می‌دهد.

جدول یک: انواع روشها و عقود اسلامی تامین مالی

نوع عقد یا روش تامین مالی	جزئیات عقد	اظهار نظر
روشهای مشارکتی	تقسیم سود و زیان پروژه	رکن اصلی بانکداری اسلامی
روشهای مشارکتی	قرارداد تامین مالی بصورت امانی بانک کلیه سرمایه را برای اجرای پروژه فراهم می کند ولی عامل با مضارب فقط کار و تخصص خود را ارائه می نماید. سود یا زیان پروژه بین بانک و مضارب بر اساس نسبت مشخص و ثابتی تقسیم می شود. هر نوع زیان مالی منحصراً توسط بانک جبران می گردد. مسئولیت عامل فقط در رابطه با وقت و تلاش اوست ولی اگر سوء مدیریت یا غفلت او ثابت گردد، مضارب مسئولیت جبران زیان مالی را هم باید تقبل نماید. مضاربة معمولاً در پروژه های سرمایه گذاری با دوره باروری کوتاه و در تجارت کاربرد دارد. مضاربة هم ستون دارائیه و هم ستون بدهیهای بانک اسلامی را دربر می گیرد. در ستون بدهیها، قرارداد مضاربة بین بانک و سپرده گذاران مضاربة عام نام دارد زیرا سپرده گذاران به عنوان مالک توافق می کنند پولشان توسط بانک و به تشخیص بانک، در تامین مالی پروژه های متعددی سرمایه گذاری شود و کل سود حاصله به عملیات بانک با سپرده گذاران تقسیم گردد. در ستون دارائیه، قرارداد بین بانک [مالک] و سرمایه گذار [عامل] مضاربة خاص نام دارد زیرا بانک تامین مالی یک پروژه خاص را بر عهده گرفته و یک عامل مشخص کار را انجام داده و سود حاصله با نسبتهای معین بین دوطرف تقسیم می شود.	سه شرط باید رعایت شود: ۱- بانک نباید از عامل وثیقه گرفته و از این طریق ریسکهای اعتباری خود را کاهش دهد. تمام ریسک مالی را منحصراً بانک به عنوان مالک باید بپذیرد. برای کاهش مخاطرات اخلاقی، مثلاً برای ممانعت از فرار عامل، بانک می تواند در اینگونه موارد خاص وثیقه دریافت نماید. ۲- نرخ سود باید صرفاً بعنوان درصدی [از سود حاصله] دریافت شود و نه بعنوان یک مبلغ مشخص. ۳- عامل یا مضارب از آزادی کامل در اداره پروژه برخوردار است. بانک موقعی می تواند در خاتمه مدت قرارداد اصل وام را از مضارب دریافت کند در صورتیکه مازادی وجود داشته باشد. اگر دفتر پروژه زیان را نشان دهد، قصوری متوجه مضارب نخواهد بود مگر آنکه سوء مدیریت و یا غفلت او ثابت شود.
ب - مشارکت	قرارداد مشارکت در سرمایه	بانک تا میزان سهم سرمایه خود حق رای دارد و نماینده بانک می تواند در هیات مدیره پروژه شرکت کند. تمام شرکاء می توانند با نسبتهای مختلف در پروژه سرمایه گذاری کرده و در مدیریت پروژه سهیم شوند.
چ - مزارعه	معادل قرارداد مضاربة در کشاورزی است. محصول بین بانک و عامل تقسیم می شود و بانک می تواند پول و یا زمین را ارائه کند.	
د - مسافات	معادل قرارداد مشارکت در باغبانی و باغداری است. محصول به نسبت سرمایه بین دوطرف تقسیم می شود.	
ه - سرمایه گذاری مستقیم	شبیه سرمایه گذاری در بانکداری سنتی است. بانک مجاز به فعالیت در امور مغایر با شریعت اسلام (مثل قمارخانه) نیست.	بانک به اندازه سهم سرمایه خود حق رای دارد و نماینده بانک می تواند در جلسات هیات مدیره شرکت نماید.

ادامه جدول یک ضمیمه

نوع عقد	جزئیات عقد	اظهار نظر
روشهای غیر مشارکتی	بدون تقسیم سود و زیان	در مواردی بکار می‌رود که عقد مشارکتی را نمی‌توان اجرا کرد مثلاً در مورد وام گیرندگان کوچک یا وامهای مصرفی
الف - قرض الحسنه	این وامها دارای نرخ بهره صفر هستند که در قرآن به مسلمانان تاکید شده به «نیازمندان» داده شود. بانکها می‌توانند از وام گیرنده کارمزدی بابت هزینه‌های اداری وام اخذ کنند بشرطی که میزان کارمزد ارتباط یا نسبتی با مبلغ یا سررسید وام نداشته باشد.	
ب - بیع مؤجل	فروش اقساطی فروشنده کالایی را بصورت اقساطی یا پرداخت یک نوبت به فروش می‌رساند قیمت کالا در موقع فروش بین فروشنده و خریدار توافق شده و نباید بابت فروش اقساطی کارمزدی دریافت گردد.	برخلاف عقود مشارکتی، عقود مثل فروش اقساطی، اجاره و بیع به شرط تملیک یک نرخ سود ثابت و از قبل توافق شده دارند و وثیقه هم توسط بانک اخذ می‌گردد.
ج - معاملات سلف	خرید نقدی با تحویل کالا در آینده خریدار تمام قیمت کالا را به فروشنده پرداخت کرده و فروشنده قول می‌دهد کالا را در آینده تحویل دهد. این روش در معاملاتی است که کیفیت و مقدار کالا را بتوان در هنگام عقد قرارداد مشخص کرد. معمولاً در مورد کالاهای کشاورزی و صنعتی کاربرد دارد.	در حقیقت درصدی را همراه با هزینه های اضافی به قیمت خرید اضافه می‌کنند که همان حاشیه سود آنهاست. کالای خریداری شده بعنوان تضمین وام محسوب می‌شود. علاوه بر آن بانکها می‌توانند وثیقه هم اخذ نمایند
د - اجاره و اجاره به شرط تملیک	یک طرف قرارداد، کالایی را با مبلغ معلوم و مدت مشخص اجاره می‌دهد. در مورد اجاره به شرط تملیک، بخشی از هر قسط اجاره مربوط به قیمت خرید کالا و تغییر مالکیت در پایان اجاره است.	این ابزارهای مالی، خاص معامله گران ریسک گریز بوده و شبیه معاملاتی است که در بانکداری سنتی انجام می‌شود البته همراه با تفاوتهایی در واژه های بکاررفته و مقررات حقوقی ناظر. از این نظر با اصول اسلامی مغایرت ندارد که نرخ سود به خود معامله مرتبط است نه مدت قرارداد. بعضی از کارشناسان فقهی دقت بیشتری را در اجرای این روش توصیه می‌کنند.
هـ - مرابحه	فروشنده به خریدار اعلام می‌کند هزینه خرید یا تولید کالا چقدر است و حاشیه سودی طبق توافق طرفین به این مبلغ اضافه شده و معمولاً بصورت اقساطی معامله صورت می‌گیرد.	
و - جعاله	بر اساس این قرارداد فرد یا شرکتی توافق می‌کند مبلغ معینی به فرد یا شرکتی دیگر در قبال ارائه خدمتی مشخص پرداخت کند. این روش معمولاً در خدمات مشاوره‌ای، خدمات حرفه‌ای، امور امانی و گردآوری سرمایه کاربرد دارد.	

توانایی محدود در اخذ وثیقه - طبق قاعده کلی، به هنگام اعطای تسهیلات مشارکتی قرار نیست مؤسسات مالی اسلامی برای کاهش ریسک اعتباری خود، وثیقه دریافت کنند. برخی از کارشناسان عقیده دارند بانکهای اسلامی در موارد استثنایی و برای کاهش مخاطرات اخلاقی (moral hazard) ملحوظ در عقود مشارکتی (مثلاً برای جلوگیری از فرار وام گیرنده) می توانند درخواست وثیقه نمایند. البته در مورد عقود غیرمشارکتی بانکها همیشه می توانند وثیقه اخذ نمایند.^۱

۳- اصل سپرده های سرمایه گذاری نباید تضمین شود و نباید نرخ سود ثابت، مشخص و تضمین شده داشته باشد. اگر بواسطه تصمیمات نامناسب سرمایه گذاری توسط بانک اسلامی، ضرر و زیان ببار آید، سپرده گذاران ممکن است بخشی از سپرده های خود یا حتی تمام آنرا از دست بدهند. تنها قراردادی که بین سپرده گذار و بانک وجود دارد توافق بر سر سهم سود آنهاست.

۴- اصل سپرده های جاری توسط بانک تضمین می شود ولی هیچ سودی به این سپرده ها تعلق نمی گیرد. منطق تضمین اصل سپرده های جاری اینست که این سپرده ها را سپرده گذاران بصورت «امانت» نزد بانک برای نگهداری و محافظت قرار می دهند.^۲

۵- سازگاری با یکی از دو الگوی واسطه گری^۳ که شرح آن ذیلاً خواهد آمد.

اول: - الگوی مضاربه دو جانبه (two-tier mudaraba)

براساس این الگو، طرفین دارایی و بدهی ترازنامه یک بانک اسلامی کاملاً با هم پیوند می خورد. در ستون بدهیها، سپرده گذاران قرارداد مضاربه عام (قرارداد تأمین مالی امانی - جدول یک ضمیمه) با بانک اسلامی منعقد می کنند تا در سود کلی بانک سهیم شوند. سپرده گذاران در این حالت، مالک و بانک عامل یا مضارب است. در ستون دارایی بانک، بانک به نوبه خود یک قرارداد مضاربه خاص (به جدول یک ضمیمه این مقاله رجوع شود) با عامل منعقد می کند. عامل در جستجوی سرمایه برای سرمایه گذاری بوده و توافق می کند سود حاصله را به نسبت های قید شده در قرارداد با بانک تقسیم نماید. علاوه بر سپرده های سرمایه گذاری، بانکها می توانند سپرده های جاری را که نرخ سودی نداشته و حتی در معرض پرداخت کارمزد هم می باشد، پذیرا شوند.

۱- برای اطلاع بیشتر به جدول یک ضمیمه رجوع شود.

۲- در ایران، سپرده های جاری بصورت قرض الحسنه نزد بانک گذارده می شود و جزو اموال بانک است که باید عین یا معادل آن را عندالمطالبه کارسازی کند. (مترجم)

۳- این دو الگوی واسطه گری با اصول بانکداری اسلامی انطباق کامل دارد برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: Khan and Mirakhor, 1993

بانک باید عندالمطالبه ارزش اسمی این سپرده های جاری را پرداخت کند. سپرده گذاران جاری البته می دانند بانکها از سپرده هایشان برای سرمایه گذاری در پروژه های ریسک پذیر استفاده می کنند. بانکها می توانند بخش کوچکی از سپرده های جاری خود را بصورت وامهای کوتاه مدت بدون بهره پرداخت کنند (قرض الحسنه ، جدول یک ضمیمه). گرچه اخذ سپرده قانونی در بانکداری اسلامی امری مرسوم و متداول است.

الگوهای مضاربه دوجانبه هیچ سپرده قانونی مشخصی را [برای هیچکدام از سپرده های جاری یا سرمایه گذاری] تجویز نمی کند.^۱

دوم: - الگوی دو سپرده ای (two - windows)

براساس این الگو ، بدهی بانک اسلامی شامل دو نوع سپرده می شود: یک نوع سپرده بصورت جاری و یک نوع سپرده بصورت سپرده سرمایه گذاری است. انتخاب با سرمایه گذار است. سپرده های جاری بصورت «امانتی» و برای محافظت و نگاهداری نزد بانک بوده و در هر زمان متعلق به سپرده گذار است بنابراین بانکها نمی توانند براساس درصد سپرده قانونی (fractional reserve) از آن برای خلق پول استفاده نمایند. در نتیجه بانکهایی که در چارچوب این الگو کار می کنند ، باید ۱۰۰ درصد سپرده قانونی را در مورد سپرده های جاری رعایت کنند. در مقایسه ، سپرده های سرمایه گذاری با آگاهی کامل سپرده گذاران مصروف سرمایه گذاری بانک در پروژه های ریسک پذیر می شود. بنابراین سپرده های مذکور نه تنها توسط بانک تضمین نمی شود بلکه مشمول سپرده قانونی هم نمی شود. بانک برای محافظت فیزیکی از این سپرده ها می تواند کارمزدی اخذ نماید. وامهای بدون بهره فقط از محل سپرده هایی که به این منظور نزد بانک سپرده گذاری می شود، قابل پرداخت است.

جدول دو ویژگیهای فوق را بطور مقایسه ای و مختصر نشان می دهد.

۱- براساس رویه مرسوم ، باکهایی که براساس مضاربه دوجانبه کار می کنند در برابر سپرده های جاری ، مقادیر معتنا بیهی اندوخته دارند حتی اگر این سپرده ها بصورت امانت نزد آنها نباشد. در برابر سپرده های سرمایه گذاری اندوخته ای تدارک ندیده و یا بمیزان کم اندوخته می گذارند.

جدول دو: مقایسه بین بانکهای اسلامی و بانکهای سنتی

مشخصات	بانکداری اسلامی	بانکداری سنتی (غربی)
تضمین اصل مبلغ: سپرده‌های جاری سپرده‌های سرمایه‌گذاری	بله نه	بله بله
نرخ سود سپرده‌ها	در مورد سپرده‌های سرمایه‌گذاری نامشخص بوده و تضمین شده نیست. به سپرده‌های جاری سود تعلق نمی‌گیرد.	مشخص و تضمین شده است.
راهکارهای تعیین سود نهایی به سپرده‌ها	بستگی به عملکرد بانک و کسب سود آن از محل سرمایه‌گذاریها دارد	به عملکرد و کسب سود بانک وابسته نیست.
کاربر اصل تقسیم سود و زیان	بله	نه
استفاده از عقود اسلامی مشارکتی و غیر مشارکتی	بله	ارتباطی ندارد
اختیارات بانک در اخذ وثیقه	بانکها مجاز نیستند در عقود مشارکتی ریسک اعتباری را کاهش دهند. استثنأ می‌توانند مخاطرات اخلاقی را در عقود غیر مشارکتی کاهش دهند. اخذ وثیقه در عقود غیر مشارکتی توسط بانک مجاز است.	همیشه وثیقه اخذ می‌گردد.

براساس مطالب فوق، نکات زیر قابل ذکر است:

اول: - بواسطه ساختار ترازنامه و استفاده از عقود مشارکتی، بانکهای اسلامی در مقایسه با بانکهای سنتی در موقعیت بهتری برای جذب شوکهای خارجی [برون‌زا] قرار دارند. اگر زیان عملیاتی حادث شود، بانکهای اسلامی برخلاف بانکهای سنتی قادرند ارزش اسمی سپرده‌های سرمایه‌گذاری خود را کاهش دهند یعنی بخشی از بدهی‌های خود را کاهش ارزش دهند. در نتیجه ریسک عدم توانایی مالی (insolvency risk) که در نتیجه عدم تطابق دارائیه با بدهی‌ها حادث می‌شود، در بانکداری اسلامی کمتر از بانکهای سنتی است.

دوم: - آن دسته از بانکهای اسلامی که براساس الگوی دو سپرده‌ای فعالیت دارند عملاً در برابر عدم توانایی مالی بیمه هستند (مورد نمونه بانک narrow است که عملاً بسیار نادر است). بانکهای اسلامی که فعالیتشان براساس مضاربه دو جانبه بوده و اکثر بانکها هم اینگونه عمل می‌کنند در معرض ریسک ناشی از عدم تطابق دارائیه‌هایشان با بدهیهایشان قرار دارند زیرا اولاً -

اصل سپرده‌های جاری نزد بانک تضمین شده است و هر زمان قابل وصول می‌باشد، ثانیاً - از سپرده‌های جاری بانک می‌توانند برای تأمین مالی پروژه‌های بلندمدت تر سرمایه‌گذاری استفاده کنند، ثالثاً - هیچ سپرده قانونی اجباری در مورد سپرده‌های جاری و سرمایه‌گذاری وجود ندارد (در حالیکه در الگوی دو سپرده‌ای، ۱۰۰ درصد و صفر درصد سپرده قانونی به ترتیب در مورد سپرده‌های جاری و سرمایه‌گذاری اخذ می‌شود).

سوم: - بانکهای اسلامی از نظر عملیاتی با شرکتهای سرمایه‌گذاری (شامل mutual fund) فعال در نظام اقتصادی سنتی (غربی) شباهت دارند زیرا ارزش اسمی اصل و سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری را تضمین نمی‌کنند و با جمع‌آوری و یکپارچه‌کردن وجوه سرمایه‌گذاران، خدمات حرفه‌ای سرمایه‌گذاری به آنها ارائه می‌دهند. از سوی دیگر یک تفاوت اساسی در مفهوم این دو نهاد وجود دارد. شرکتهای سرمایه‌گذاری سرمایه خود را به مردم می‌فروشند در حالیکه بانکهای اسلامی از مردم سپرده قبول می‌کنند. در واقع سهامداران یک شرکت سرمایه‌گذاری، متناسب با سهم خود، صاحب و مالک شرکت بوده و از حقوق و امتیازاتی نظیر حق دریافت اطلاعات منظم در مورد گسترش شرکت و حق رأی در موارد مهم نظیر تغییر در خط‌مشی سرمایه‌گذاری شرکت، برخوردارند.^۱ لذا این سهامداران در موقعیتی هستند که می‌توانند تصمیمات عاقلانه در مورد سرمایه‌گذاری اتخاذ کرده، عملکرد شرکت را تحت نظارت قراردادده و بر تصمیمات راهبردی شرکت تأثیرگذارند. در مقام مقایسه باید گفت که سپرده‌گذاران حساب‌های سرمایه‌گذاری در بانکهای اسلامی فقط مجازند در سود و زیان بانک براساس نسبت‌های قید شده در قرارداد، سهم شوند. سپرده‌های سرمایه‌گذاری را نمی‌توان هر لحظه که سپرده‌گذار تمایل داشت، از بانک برداشت نمود بلکه فقط در سررسید و آن هم فقط با ارزش اسمی قابل برداشت است.^۲ بعلاوه صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری حق رأی ندارند چون که مالک هیچ بخشی از سرمایه بانک نیستند و لذا نمی‌توانند بر خط‌مشی بانک در امور سرمایه‌گذاری تأثیر بگذارند. در حقیقت، رابطه آنها با بانک همچنان که قبلاً عنوان شد، براساس قرارداد مضاربه عام تنظیم می‌گردد.

۱- نگاه کنید به: The Organization of Investment Companies and the Investment Company Act, 1940, Section 13(a), United States Securities and Exchange Commission.

۲- گرچه طبق قرارداد، سپرده‌های سرمایه‌گذاری را قبل از سررسید نمی‌توان از بانک برداشت نمود ولی در موارد زیادی و در صورت تمایل صاحبان این سپرده‌ها، بانکها با برداشت زودتر از موعد مخالفت نمی‌کنند.